

میزگرد

منابع تنش و تعارض در منطقه شامات: ماجرای جولان

دکتر نصری: کمتر منطقه‌ای در دنیا می‌توان یافت که به اندازه خاورمیانه، آبستن حوادث و مصائب باشد. تراکم انواع بحرانها و اختلافات در این منطقه سبب شده است که بقا به مهم‌ترین دغدغه بازیگران منطقه مبدل شود. طبیعی است که اگر دغدغه بقا و نگاه امنیتی بر مملکت و حکم‌رانی سایه افکند، تحولات و تحرکات صبغه حساسی می‌یابند. با این وصف یکی از کانونهای اساسی بحران در مرکز خاورمیانه، تپه‌های معروف جولان است که اکنون نزدیک به ۴۰ سال است به اشغال اسرائیل درآمده است و بسیاری از پژوهشگران و حتی شهروندان عادی در این اندیشه‌اند که آینده جولان چه خواهد شد. در جلسه امروز، همین مسئله را بررسی می‌کنیم.

استادان و محققان حاضر در نشست امروز (۱۳۸۸/۹/۲۸) عبارتند از:

۱. دکتر سیدحسین موسوی، رییس سابق پژوهشکده مطالعات راهبردی که به واسطه تجربه‌های مشاهداتی و تحقیقات آکادمیک در مورد مقوله جولان، بی‌تردید برداشت و نگرش ارزشمندی طرح خواهند کرد.
۲. آقای محمدعلی مهتدی، پژوهشگر ارشد مرکز مطالعات خاورمیانه و صاحب نظر در خصوص مسایل شامات به ویژه قدس، لبنان و جولان.
۳. آقای محمد آجرلو، کارشناس ارشد روابط بین‌الملل و صاحب تحقیق و کاوشهای ارزنده در مورد ژئوپلیتیک اسرائیل.

♦ اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی

ضمن خوشامدگویی به دانش پژوهان، کارشناسان و استادان محترم علوم سیاسی و روابط بین الملل که در این جلسه حاضر شده اند، تصریح می کنم که پرسش اصلی این نشست این است که: منابع یا منبع تنش و تعارض در منطقه شامات کدامند و منطقه و مسئله جولان چه سهم و نقشی در تشدید این منازعات منطقه ای دارد؟ همان گونه که می دانید جمهوری عربی سوریه از دیرباز از متحدان کلیدی و راهبردی ایران بوده است. هم سوییهای مؤثر و کارساز این کشور با ایران در جنگ تحمیلی و به ویژه پس از آن در قضایای فلسطین و لبنان به خوبی پیداست. گفته می شود یکی از برنامه ها و اهداف دستگاه سیاست خارجی ایالات متحده در منطقه خاورمیانه این است که با تشویق یا تنبیه، پیوندهای راهبردی میان ایران و سوریه را سست و از این طریق ضمن تنبیه گروههای هوادار ایران در منطقه شامات، ایران را در مواضع خود محدود سازد. به نمایندگی از حاضرین محترم، به تناسب بحث، ابتدا از آقای آجرلو تقاضا می کنم مطالب خود را ارایه کنند.

آقای آجرلو: عنوان بحث بنده ابعاد ژئوپلیتیک بلندبدهای جولان نام دارد. در ابتدا بحث خود را با ژئوپلیتیک اسرائیل آغاز می کنم در تعریف ژئوپلیتیک گفته می شود: ژئوپلیتیک یا سیاست جغرافیایی اثر محیط، اشکال و پدیده های جغرافیایی چون شکل سرزمین، منابع و امکانات ارتباطی و انتقالی را بر تصمیمات سیاسی به ویژه در سطوح گسترده منطقه ای و جهانی مورد مطالعه قرار می دهد. در این تعریف بیشتر تأکید بر عوامل جغرافیایی است؛ در واقع، این یک نگاه جغرافیایی به ژئوپلیتیک است. از دیدگاه روابط بین المللی و با محوریت قدرت، تعریف ژئوپلیتیک را می توان چنین عنوان کرد که به طور کلی تأثیر عوامل جغرافیایی بر سیاستهای یک کشور اعم از داخلی و به ویژه خارجی را ژئوپلیتیک می نامند. عوامل مؤثر در ژئوپلیتیک را می توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: ۱. عوامل ثابت؛ و ۲. عوامل متغیر.

عوامل ثابت عبارتند از:

- موقعیت جغرافیایی کشور که در چند حوزه مورد بررسی است؛ از جمله موقعیت آبی کشور مثل انگلستان، موقعیت ساحلی مثل فرانسه و یا موقعیت راهبردی مثل انگلستان؛
- وسعت کشور؛

♦ اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی

– هندسه زمین، کوهها و بیابانها و در کل، شکل کشورها. بعضی کشورها طویل هستند مثل شیلی، برخی دیگر دایره ای هستند مثل فرانسه، برخی کشورها دنباله دار هستند مثل افغانستان، برخی دیگر کشورهای چندپاره مثل آذربایجان و کشورهای منگنه ای که در درون خود کشورهای دیگری دارند مثل آفریقای جنوبی.

عوامل متغیر عبارتند از: جمعیت، منابع طبیعی، غذایی، معدنی، آبی و غیره.

ژئوپلیتیک اسرائیل: ژئوپلیتیک اسرائیل را می توان در دو بعد بین المللی و منطقه ای مورد تحلیل قرارداد. در بعد بین المللی قرار گرفتن این کشور در منطقه راهبردی خاورمیانه می باشد. هر واقعه ای در خاورمیانه بعد راهبردی به خود می گیرد. به عنوان مثال، در زمان جنگ غزه، مسایل اسرائیل از آفریقای جنوبی تا آمریکای جنوبی را تحت تأثیر قراردادده بود. درست همان زمان در اتیوپی کشتاری صورت می گرفت که شاید جمعیت آنها بیشتر هم بود، اما واکنش بین المللی جدی در قبال آن مسئله شاهد نبودیم. دلیل آن این است که منطقه ای که اسرائیل در آن قرار گرفته است، موقعیت ژئوپلیتیک دارد.

مسئله دوم، تقدس مذهبی این منطقه برای ادیان جهانی است. سه دین اصلی ابراهیمی؛ یعنی اسلام، یهودیت و مسیحیت تقدس ویژه ای برای این منطقه قایل هستند. جنگهای مهمی در این منطقه در طول تاریخ بین ادیان صورت گرفته است. حساسیت این منطقه برای یهودیت از نیمه دوم قرن نوزدهم با اعلامیه ای که هرترزل مطرح کرد، بیشتر و جدی تر شد.

یکی دیگر از ابعاد بین المللی این کشور، این است که پل ارتباطی بین آفریقا و آسیا است. اما در حوزه منطقه ای، داشتن بنادر مناسب برای کشتی رانی است. سواحل دریایی مدیترانه در شرق کم عمق تر است. برای مثال، سوریه با ساحل زیادی که دارد، فقط یک بندر دریایی در این حوزه به خود اختصاص داده است. در مقابل، منطقه فلسطین و اسرائیل دارای سه بندر مهم برای کشتی رانی هستند؛ بندر حیفا، بندر اشتو، و بندر اشکلان. مسئله بعدی دسترسی به دریاست که هم به دریای سرخ از طریق خلیج عقبه دسترسی دارد و هم به دریای مدیترانه. مسئله مهم بعدی، هم پیمانی این کشور با ابرقدرت جهانی یعنی آمریکا و با قدرتهای بزرگی چون اروپا است که در معادلات منطقه ای تأثیر بسزایی دارند.

◆ اسرائیل شناسی- آمریکا شناسی

بررسی سیاست خارجی اسرائیل با تمرکز به جغرافیا

جنوب اسرائیل به دلیل وجود سرزمینهای هموار و صحرایی، آن را به شدت آسیب پذیر کرده است. در واقع، کشورهای جنوبی اسرائیل که دارای نیروی انسانی زیادی هستند در یک حمله غافل گیر کننده می توانند قسمت جنوبی آن را تصرف کنند. به دلیل چنین وضعی اسرائیل تلاش دارد با کشورهای جنوبی خود روابط مسالمت آمیزی داشته باشد. اسرائیل در ابتدای دهه ۸۰ با مصر و در دهه ۹۰ با اردن به صلح رسید و از این طریق امنیت جنوبی خود را تا حد ممکن بیمه کرد. از سوی دیگر، اسرائیل تلاش دارد هیچ کشوری در شرق آن ایجاد نشود. در صورت بروز چنین اتفاقی نیز می خواهد که آن کشور بسیار ضعیف بوده و تحت کنترل شدید اسرائیل باشد. منطقه ای چون طولكرم فقط ۱۴ کیلومتر با سواحل اسرائیل فاصله دارد که حدود ۷۰ درصد جمعیت و ۸۰ درصد صنایع اسرائیل در این منطقه هستند. به همین دلیل، شکل گیری یک همسایه شرقی قدرتمند بی تردید امنیت اسرائیل را با چالش روبه رو خواهد کرد.

غرب اسرائیل به دلیل وجود تراکم بالای جمعیت و وجود سواحل، آسیب پذیری بالایی برای اسرائیل دارد. اسرائیل در طول تاریخ حیات خود سعی کرده است با قدرتهای بزرگ دریایی، چه بین المللی و چه منطقه ای، روابط نزدیک و راهبردی برقرار کند. از همین روست که با آمریکا و فرانسه روابط حسنه ای ایجاد نموده است. در این اواخر نیز تلاش دارد به دلیل قدرت دریایی ترکیه، با این کشور نیز به مصالحه برسد. البته نیروی دریایی اسرائیل چندان قدرتمند نیست. شاید یکی از دلایل مهم آن این است که آن دسته از دشمنان اسرائیل که بتوانند از طریق دریا به آن آسیب برسانند دارای چنان قدرت دریایی بالایی نیستند که اسرائیل را به سمت تقویت نیروی دریایی خود سوق دهد.

شمال اسرائیل که موضوع بحث اصلی است، به دلیل کوهستانی بودن، آسیب پذیری اسرائیل را به شدت کاهش داده است. از همین رو اسرائیل سعی می کند در این منطقه با برتری نظامی، دست بالا را در مذاکرات داشته باشد تا بتواند سرزمینهای در اختیار خود را حفظ نماید و فقط در صورتی حاضر است با سوریه و لبنان به مصالحه برسد که تضمین های محکم امنیتی از آنها بگیرد که این امر تاکنون حاصل نشده است. واژه جولان عربی شده کلمه

«گولان» است که در متون مقدسی چون تورات و انجیل آمده است. گولان یعنی خانه و شهر پناهندگان. در زمان پیامبران موسی (ع)، سلیمان (ع) و داود (ع)، مناطق و شهرهایی وجود داشت که وقتی کسی از بیت المقدس فرار می کرد، می توانست در آن شهرها اقامت گزیند و زندگی کند و در واقع در آنجا از امنیت برخوردار بود. الخلیل و گولان از جمله این مناطق بودند. در مقابل، برخی نظریه پردازان عرب معتقدند که واژه جولان در اصل عربی است که از ریشه «اجول» در زبان عربی شامی به معنای کوه گرفته شده است.

موقعیت جغرافیایی بلندبهای جولان

بلندبهای جولان در جنوب غربی سوریه در استان قنیطره قرار گرفته است. مساحت این استان ۱۸۶۰ کیلومتر مربع است که حدود ۱۲۰۰ کیلومتر مربع آن (مساحتی در حدود جزیره قشم) در اشغال اسرائیل قرار دارد. عرض این منطقه حدود ۲۰ کیلومتر و طول آن به ۶۰ کیلومتر می رسد. این منطقه در عرض جغرافیایی ۳۲ و ۳۴ درجه شمالی و طول جغرافیایی ۳۵ و ۳۶ درجه شرقی واقع شده است.

موقعیت مرزی جولان در گذشته

بلندبهای جولان در زمان عثمانی در عکاسنجا و در منطقه شامات در هولان سنجا بوده است. عکاسنجا جزو ولایت بیروت و هولان سنجا مربوط به ولایت دمشق بود. یک خط منصفی قسمت شمالی رود اردن و دریای طبریه را از هم جدا کرده بود. معادلات امور حکومتی بلندبهای جولان در آن زمان نیز در اختیار ولایت دمشق (هولان سنجا) بود. در زمان جنگ جهانی اول و ضعف امپراتوری عثمانی قرارداد سری بین انگلستان و فرانسه با نام سایکس-پیکو در ۱۹۱۶ منعقد شد که این مناطق به صورت پنهانی بین این دو کشور تقسیم شد. طبق این قرارداد منطقه شامات و موصل در اختیار فرانسه و منطقه ماوراء اردن و عراق در اختیار انگلستان قرار گرفت. بر منطقه فلسطین نیز به طور مشترک از سوی فرانسه و انگلستان اعمال حاکمیت می شد. طبق قرارداد فوق مرزهای حوزه نفوذ دو کشور به خوبی مشخص نشده بود، تا اینکه طی سالهای ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۳، براساس مذاکرات گوناگون به این نتیجه رسیدند که

◆ اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی

مرزها را تعریف و مشخص نمایند. پس از این تقسیم بندی، بلندیهای جولان در دست فرانسه و قسمت دریای طبریه به طور کامل در اختیار انگلستان قرار گرفت. پایین رود اردن نیز به صورت خط منصف بین دو طرف تقسیم شد. در طی جنگهای ۱۹۴۸ که در ادبیات بین الملل به جنگهای استقلال اسرائیل معروف است، سوریه تلاش کرد کل دریای طبریه را در اختیار بگیرد، اما به جز در قسمت سواحل شرقی این دریا موفق نشد. در جنگ سال ۱۹۶۷ شکست اعراب از اسرائیل، منجر به جدایی سه منطقه از دست آنان شد. یکی از آن مناطق، منطقه جولان بود. در سال ۱۹۷۳ سوریه مجددا در صدد بازپس گیری این منطقه برآمده، اما پیروزی حاصل نشد.

موقعیت راهبردی بلندیهای جولان

نخستین ویژگی این منطقه به لحاظ راهبردی، بازدارنده بودن آن است. اسرائیل از این منطقه در راستای بازدارندگی دشمنان خود بهره می برد؛ به طوری که به اعتقاد برخی کارشناسان اسرائیل هیچ نیازی به این منطقه ندارد. در واقع اسرائیل جولان را از آن جهت نیاز دارد که این منطقه در دست سوریه نباشد؛ چرا که در این صورت سوریه از بالای این بلندیها به طور کامل بر اسرائیل مشرف خواهد بود.

نکته دوم دسترسی به راههای جنوبی جولان است که اسرائیل در عرض چند ساعت می تواند تمام راههای اصلی سوریه را در این قسمت قطع کند. به طوری که ترکیه به دلیل خطر موجود هیچ گاه اجازه انتقال سلاح از این طریق به سوریه را نمی دهد. عراق هم که از دیر باز با سوریه مشکل داشته است. تنها راه کمک اعراب به سوریه هم همین قسمت جنوبی است که اسرائیل اشرف کامل به این منطقه دارد.

نکته سوم در مورد اهمیت بلندیهای جولان، ایجاد منطقه حایل بین سوریه و اسرائیل است. اسرائیل، سوریه را یک دشمن می بیند، بنابراین، جولان بهترین منطقه برای ایجاد حایل بین این دو کشور است.

برتری به لحاظ روانی به خاطر داشتن این منطقه نکته چهارمی است که درباره جولان قابل ذکر است. بلندیهای جولان به عنوان یک برگ برنده در دیپلماسی به شمار می رود که اسرائیل از آن استفاده می کند.

ویژگی پنجم، تسلط بر منابع آبی این منطقه است. اسرائیل با در اختیار داشتن بلندیهای جولان منابع آب شیرین این منطقه را نیز در اختیار دارد. در ادامه همین مزیت، تولید انرژی برق آبی از این منطقه است. استفاده از موقعیت مناسب جولان برای تولید برق از طریق توربینهای بادی و حتی انرژی خورشیدی نیز در دستور کار برنامه های اسرائیل قرار دارد.

اهمیت جمعیت در اسرائیل

۷

جمعیت کنونی منطقه جولان حدود ۱۸۸ هزار نفر می باشد. جمعیت منطقه اشغالی که در اختیار اسرائیل است، حدود ۳۹ هزار نفر می باشد. جمعیت شهرک نشین این بخش ۱۶ هزار و ۵۰۰ نفر است. ۱۹ هزار و ۵۰۰ نفر این جمعیت دروزی، ۳ هزار نفر عرب زبان می باشد. ۳۱۲ منطقه مسکونی در این منطقه، پیش از اشغال وجود داشت. مناطق تحت اختیار اسرائیل یک شهر، ۱۳۹ روستا و ۶۱ مزرعه است. حدود ۱۲۷ روستا و مزرعه تخریب شد و به جای آن شهرکهای یهودی نشین در آن احداث شد که تعداد این شهرکها ۴۴ شهرک است. البته اسرائیل هیچ گاه آمار دقیقی در این زمینه ارائه نمی دهد. ۲۰ شهرک مشاع، ۱۰ شهرک کیبوت و مابقی ترکیبی از این دو است.

جولان دارای منابع آبی فراوانی است. دریاچه طبریه، یکی از بزرگ ترین دریاچه های آب شیرین جهان است که حدود ۱۵ درصد آب اسرائیل را تأمین می کند. رودخانه های فراوانی نیز در این منطقه جاری است. از نظر کشاورزی نیز منطقه جولان سرآمد است. در این منطقه گندم، انگور و سیب به وفور کشت می شود. دامداری نیز در این منطقه رواج دارد. کشت دیم در جولان رونق بسیار دارد. فراوری محصولات کشاورزی، تولید شراب، فراوری محصولات دامی و طیور و همچنین تولید برق از جمله صنایع عمده این منطقه به شمار می رود.

از نظر توریستی نیز اسرائیل از این منطقه بهره فراوانی می برد. تفریحات زمستانی در این قسمت رایج است. ارتفاعات جبل الشیخ ۲۸۰۰ متر از دریا ارتفاع دارد که پیست های اسکی در آنجا احداث شده است. سواحل بسیار زیبای دریاچه طبریه و هتل های مجلل این

◆ اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی

منطقه که توریستهای بسیاری را به خود جذب می کند. اماکن بیلاقی نیز در تابستانها مسافران زیادی دارد. کازینوها نیز در این منطقه از جمله پردرآمدترین بخشهای اقتصادی اسرائیل به شمار می رود. جالب اینکه به خاطر برخی دیدگاههای مذهبی در خود اسرائیل کازینوها رونق زیادی ندارند، اما در این منطقه به دلیل دور بودن از مرکز این مشاغل به شدت رواج دارد.

دکتر نصری: با سپاس از جناب آقای آجرلو که به زیبایی و به طور مستند تاریخچه این منطقه و نزاع بین اعراب و اسرائیل بر سر این منطقه را ارایه دادند. از جناب آقای مهتدی تقاضا می کنیم به کالبد شکافی ریشه های بحران در این منطقه بپردازند. در واقع، به طور مشخص از ایشان می خواهیم که به روند شکل گیری بحران در این منطقه بپردازند.

جناب آقای مهتدی: بنده تلاش می کنم به چند موضوع مهم که به نظر می رسد پرسش ذهنی اغلب حضار باشد، پاسخ بگویم. نکته نخست اینکه، تنش در این منطقه ناشی از سیاستهای ناسیونالیستی اسرائیل در این منطقه است. نکته مهم این است که اسرائیل همواره با دو جبهه روبه رو بوده است. یکی جبهه جنوبی و غربی و دیگری جبهه شرقی. از سال ۱۹۷۸، زمانی که انور سادات در کمپ دیوید با اسرائیل صلح می کند، تهدید جنوب غربی اسرائیل مرتفع می شود و بنابراین، فقط جبهه شرقی یعنی سوریه، اردن و لبنان و در ادامه عراق و ایران باقی می ماند. این مسئله به شدت باعث وحشت سوریه می شود. حافظ اسد پیش از کمپ دیوید نیز به سادات هشدار جدی داد که اقدام به صلح با اسرائیل نکند؛ چرا که به زیان جهان عرب خواهد بود. اگر چه سادات این هشدار را جدی نگرفت، اما چندی پس از امضای صلح پیش بینی کرد که منطقه را خون خواهد گرفت و البته این پیش بینی درست از آب درآمد. از همان زمان این تحول بزرگ راهبردی باعث می شود سوریه در سیاستهای خود تجدید نظر کرده و سعی کند بر گه های قدرتی در خارج از مرزهای سوریه به دست آورد که حزب الله، حماس و ایران از این جمله هستند. در واقع سوریه، با استفاده از این اهرمهای قدرت است که تاکنون توانسته است در مقابل اسرائیل مقاومت کند.

♦ اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی

نکته بعدی در ارتباط با اهمیت جولان است. در سال ۱۹۶۷ که اسرائیل آنجا را اشغال کرد، بحث راهبردی بودن این منطقه بسیار حایز اهمیت شد. این ارتفاعات چنان مهم بود که در آن زمان با استفاده از آتش توپخانه می توانستند از روی این بلندیها سوریه و بیروت را مورد هدف قرار دهند. در آن زمان تصور می شد که اهمیت جولان صرفاً به دلیل همین مسئله نظامی است. اما امروزه موقعیت بلندیهای جولان با توجه به پیشرفتهای تکنولوژیک در حوزه جنگهای هوایی و جنگهای الکترونیک، دیگر صرفاً به خاطر موقعیت نظامی پراهمیت نیست. پس چه مسئله ای باعث شده است که اسرائیل به شدت خواهان حفظ این منطقه باشد؟ طبق قطعنامه ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت اسرائیل باید جولان را تخلیه کند، اما در مقابل پارلمان اسرائیل، کنیست در سال ۱۹۸۸ قانونی تصویب کرد که جولان را رسماً به سرزمین اسرائیل ملحق کرد. در چند ماه گذشته نیز کنیست با تأکید بر همان قانون، بر حفظ جولان پافشاری کرد.

در پاسخ به اینکه چرا اسرائیل می خواهد جولان را نگه دارد، بنده معتقد هستم که مسئله جولان و اهمیت آن برای اسرائیل بیش از هر مورد دیگری به منابع آبی آن باز می گردد. در این منطقه مهم ترین ارتفاع، کوه جبل الشیخ است که اسرائیلی ها به آن کوه حرمون می گویند. ارتفاع این کوه به ۲۸۰۰ تا ۳۰۰۰ متر می رسد. سیستمهای مخبراتی بسیار پیشرفته ای نیز از سوی اسرائیل در این ارتفاعات نصب شده است که از این طریق کل منطقه توسط آنها رصد می شود. آب برای اسرائیل یک ماده راهبردی به شمار می رود. اسرائیل آماده است که در قرن ۲۱ به خاطر آب وارد جنگهای منطقه ای شود. در خود فلسطین اشغالی منابع آبی بسیار کم است. بنابراین، این منطقه بسیار راهبردی است. منابع آبی منطقه اغلب در خارج از اسرائیل و در جنوب رودخانه نیل است. زمانی اسرائیلی ها تصمیم داشتند شاخه ای از رود نیل را از زیر کانل سوئز به سمت اسرائیل سوق دهند که مصر با آن مخالفت کرد. در شرق نیز رودخانه دجله و فرات است که از ترکیه سرچشمه می گیرد و از سوریه و عراق می گذرد. غیر از این منبع مهم آبی منطقه، سومین منبع عمده آب شیرین منطقه، بلندیهای جولان است. رودخانه اردن که امروزه به مرز بین اردن و اسرائیل تبدیل شده است، از ارتفاعات جبل الشیخ سرچشمه می گیرد. در سال ۱۹۶۷، زمانی اسرائیلی ها تصمیم قاطع

◆ اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی

به جنگ گرفتند که اعراب می خواستند بستر رودخانه اردن را منحرف سازند به طوری که اسرائیل دسترسی به آب نداشته باشد. بنابراین، بسیاری دلیل شروع جنگ را همین عامل می دانند. اکنون رودخانه های پرآبی از جولان سرچشمه می گیرد. با توجه به اهمیت جولان در حوزه آب، اسرائیل هرگز حاضر به از دست دادن جولان نخواهد شد، مگر اینکه در سوریه دولتی بر سر کار آید که بخواهد منافع اسرائیل را تأمین کند.

اسرائیل و سوریه مذاکرات طولانی در این حوزه انجام دادند که در نهایت اعلام کردند که ۹۸ درصد مسایل حل شده است که طبق آن روابط عادی خواهد شد. دو درصد باقی مانده مربوط به دسترسی سوریه به دریاچه طبریه بود. اسرائیلی ها به هیچ عنوان دسترسی سوری ها به دریاچه را برننمایند. حتی حاضر بودند سوری ها تا ۱۰ متری دریاچه بیایند، اما نزدیک تر از آن نشوند. این مسئله باعث شده که بحران ادامه دار شود که تاکنون از جمله مهم ترین منابع تنش در بین دو کشور به شمار می رود.

نکته آخر به پاسخ این پرسش مربوط می شود که چرا مذاکرات صورت گرفته بین این دو کشور که اخیراً ترکیه نیز به صورت میانجی وارد مذاکرات شده است، موفقیت آمیز نبوده است. اسرائیلی ها می خواهند سوریه را وادار به صلح کنند به ترتیبی که ارتباطات خود را با ایران، حماس و حزب الله قطع کند. سوریه بر این باور است که مسئله صرفاً جولان و عقب نشینی از آن نیست، بلکه اسرائیل و آمریکا در نهایت به دنبال براندازی رژیم سوریه هستند. سوریه به دلیل اینکه متهم به ضدیت با صلح نشود، همواره آمادگی خود را برای مذاکرات اعلام کرده است، در حالی که می داند اسرائیلی ها در مذاکره هرگز به نقطه ای نخواهند رسید که عقب نشینی از منطقه جولان را بپذیرند. از این رو سوریه سعی دارد روابط خود را با آمریکا مستحکم تر کند تا اینکه به فکر صلح با اسرائیل باشد. یک نکته قابل توجه دیگر این است که حتی اگر اسرائیل بپذیرد که از جولان عقب نشینی کند، در مقابل سوریه باید سفارت اسرائیل را در دمشق بپذیرد. از آنجا که مشروعیت دولت کنونی سوریه در مخالفت با امپریالیسم و ضدیت با اسرائیل است، در صورت افتتاح سفارت در دمشق، مشروعیت مردمی رژیم سوریه از بین خواهد رفت. بنابراین، بنده تردید ندارم که سوری ها ترجیح می دهند جولان در اختیار اسرائیل بماند اما پرچم اسرائیل در دمشق بالا نرود.

♦ اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی

بنابراین، مذاکرات سوریه و اسرائیل به هیچ وجه به سرانجام موفقیت آمیزی نخواهد رسید.

دکتر نصری: با سپاس از جناب آقای مهتدی به خاطر بحث روشن و موşkافانه. در نهایت از جناب آقای دکتر موسوی تقاضا دارم بحث خود را ارایه فرمایند.

دکتر موسوی: ضمن تشکر بسیار از مسئولان مرکز مطالعات خاورمیانه و حضار محترم. بنده هم عقیده دارم منافعی که بلندبدهای جولان برای اسرائیل دارد. امکان خروج این رژیم از جولان را به صفر می‌رساند، در مقابل نیز حضور اسرائیل در جولان منافع سیاسی را برای سوریه به دنبال دارد و از این رو سوریه هم پتانسیل چندانی برای بازگشت به بلندبدهای جولان ندارد. اسرائیل در ۵ ژوئن ۱۹۶۷ به مصر و اردن حمله کرد، در ۹ ژوئن همان سال هم به جولان حمله برد. پیش از حمله، فشار سیاسی و تبلیغاتی فراوانی مبنی بر حمله مصر به اسرائیل و نابودی این رژیم بود. در منطقه شمال نیز نیروهای سوری و اردنی تلاش کرده بودند تا قسمتی از منابع آب جولان را به سمت این دو کشور برگردانند. در صورت وقوع این اتفاق و انحراف برخی رودها به سمت سوریه، دریاچه طبریه از شیرینی خارج شده و به دریاچه شور تبدیل می‌شد که در این حالت دریاچه مورد نظر برای اسرائیل بی‌فایده می‌شد. دریاچه طبریه امروزه در هر لیتر ۱۰ میلی گرم نمک دارد که تا حدودی شیرین و سبک محسوب می‌شود. براساس همین فشارهای تبلیغاتی، اسرائیل در ۵ ژوئن به مصر حمله کرد. در سال ۱۹۶۷؛ چهار منطقه به اشغال اسرائیل درآمد؛ یکی صحرای سینا بود که در توافق نامه کمپ دیوید ۱۹۷۸ بخشهایی از آن به جهان عرب بازگشت. البته با چند شرط و شروط از جمله اینکه در مرز آنجا نه ارتش مصر بلکه پلیس مصر حضور دارد، در برخی از بخشهای آن نیز نیروهای اسرائیل حضور دارند. بنابراین، حاکمیت کامل به مصری‌ها بازنگشته است. منطقه دوم به اشغال درآمد، قدس شرقی و بخش سوم کرانه غربی رود اردن بود. کرانه غربی رود اردن در توافق نامه اسلو با برخی ملاحظات امنیتی به فلسطینی‌ها بازگشت. توافق نامه وادی عربیه نیز که در سال ۱۹۹۴ توسط اردن با اسرائیل به امضا رسید، مسایل آب رود اردن را مورد بررسی قرارداد. منطقه ارتفاعات جولان به عنوان چهارمین منطقه ای که به اشغال

◆ اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی

رژیم اسرائیل درآمد، در حال حاضر تنها منطقه ای است که از سال ۱۹۶۷ به بعد همچنان در اشغال اسرائیل است. منطقه جولان به خاطر سه ویژگی فوق العادی که دارد، برای اسرائیل مهم تلقی می گردد و به امنیت ملی این رژیم مربوط می شود، به نحوی که هرگونه ضعف در این منطقه به منزله به بازی گرفته شدن امنیت ملی اسرائیل است. این سه ویژگی عبارتند از:

۱. موقعیت نظامی منطقه جولان؛ ۲. موقعیت هیدروپولیتیکی یا همان منابع آبی؛ و
۳. وضعیت و موقعیت جمعیتی. در فاصله سالهای ۱۹۴۸ تا ۱۹۷۳، منطقه جولان ناحیه ویژه ای برای درگیریهای سوریه و اسرائیل بوده است. در سال ۱۹۸۱ براساس قانون انضمام، خاک جولان به اسرائیل منضم شد. بعدها دوبار کنیست اسرائیل نیز بر این امر تاکید کرد؛ یک بار در دوره مذاکرات سوریه و اسرائیل در سالهای ۱۹۹۳ یا ۱۹۹۴ بود که در آنجا اعلام شد هرگاه عقب نشینی اسرائیل از جولان مطرح شود، باید ۶۱ نماینده کنیست رأی مثبت داده و سپس طی یک همه پرسی در سرزمینهای اشغالی، مردم باید این مسئله را بپذیرند. دور دوم در سال ۲۰۰۸ بود که در آنجا هم رأی کنیست شرط بود، با این تفاوت که این بار ۸۰ نماینده باید به عقب نشینی از جولان رأی مثبت دهند.

سرزمین جولان در ادعاهای دینی و مذهبی یهود جایی ندارد. جولان به عنوان سرزمین مقدس مطرح نبوده و در واقع در متون یهود، از جولان به عنوان سرزمین تاریخی و مقدس نام برده نشده است. جنبش صهیونیسم جولان را بخشی از سرزمین از نیل تا فرات می داند. اسکان یهودیان در این منطقه برای نخستین بار در سال ۱۸۹۴ انجام شد. در آن زمان ثروتمندی انگلیسی به نام ادموند روچیلد اقدام به خرید ۱۰۰۰ هکتار زمین در منطقه حوران می کند. این منطقه در قسمت شرق جولان قرار دارد که از لحاظ کشاورزی بسیار حاصل خیز است. روچیلد حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ خانوار یهودی را در آنجا جای دهد که با مخالفت مردم روبه رو می شود و در نهایت این مسئله محقق نشد. در سال ۱۹۴۰ با دخالت و همکاری شرکتی به نام ایکا، گروهی از یهودیان جهت آمدن به این منطقه اقدام می کنند. بعد از اینکه در سال ۱۹۴۸، بیست و پنج خانواده یهودی وارد این منطقه می شوند، این موضوع با مخالفت سوریه روبه رو می شود. عشایر عرب نیز به این گروه حمله می کنند و آنها را از منطقه شرق جولان بیرون می رانند.

در سال ۱۹۱۸ بن گوریون نامه‌ای به حزب کارگر انگلستان می‌نویسد و خواهان تسلط بر جولان می‌شود. بن گوریون معتقد بود اسراییل برای ادامه حیات خود باید مرزهای وسیعی داشته باشد، بنابراین جولان باید در اختیار اسراییل باشد. در سال ۱۹۱۹ سازمان جهانی صهیونیسم نامه‌ای به کنفرانس ورسای می‌نویسد و در آنجا نیز خواستار انضمام جولان به خاک اسراییل می‌شود. بنابراین الحاق جولان به اسراییل نه براساس یک ویژگی مقدس، بلکه براساس یک نگاه راهبردی صورت گرفته است. به لحاظ جغرافیایی در شمال جولان ارتفاعات جبل الشیخ و در جنوب جولان رود یرموک قرار دارد. در غرب هم رود اردن، دریاچه طبریه و دشت الجلیل قرار دارد. در شرق هم استان قنیطره قرار دارد. مساحت جولان ۱۸۶۰ کیلومتر است که در سال ۱۹۶۷، ۱۲۶۰ کیلومتر آن اشغال شد و در سال ۱۹۷۳، ۶۰۰ کیلومتر از خاک جولان به سوریه بازگشت، ولی پس از شکست مصر در سینا سربازان اسراییلی به سمت جولان حرکت کردند، از این رو نه تنها مرزهای ۱۹۶۷ را باز پس گرفت بلکه وارد جنوب دمشق شد و در نتیجه بخش دیگری از خاک سوریه به اشغال اسراییل درآمد. این اشغال تا سال ۱۹۷۴ ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۹۷۴ توافق نامه‌ای تحت عنوان جداسازی نیروها، بین اسراییلی‌ها و سوری‌ها با نظارت آمریکا منعقد گشت. در نتیجه توافق نامه، ۶۰ کیلومتر از خاک اشغال شده در سال ۱۹۶۷ به حالت غیرنظامی درآمد و به سوریه بازگشت. در واقع، هم اکنون در منطقه قنیطره نیروی اسراییلی حضور ندارد و ارتش سوریه نیز به طور بسیار محدود حضور دارد.

یکی از مسایل مهم درباره جولان این است که هنگامی که مسئله صلح بین سوریه و اسراییل مطرح می‌شود، نخستین نکته بازگشت به مرزهاست. همان مسئله‌ای که براساس قطعنامه ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت مطرح شده است که از آن به توافق نامه زمین در برابر صلح یاد می‌شود. در واقع، در سال ۱۹۹۳ هنگامی که کریستوفر وزیر خارجه وقت آمریکا طرح رایین را برای حافظ اسد مطرح کرد، این مسئله نیز مطرح شد که اسراییل باید به مرزهای شناخته شده بین المللی عقب نشینی کند. نخستین ابهام این بود که مرزهای شناخته شده بین المللی کدام است؟

اسراییل معتقد است این مرزها همان مرزهای سال ۱۹۲۳ است، در حالی که سوریه

این دیدگاه را قبول ندارد. در فاصله سالهای ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۷ چند مرحله جنگ رخ داد. از سال ۱۹۴۸ سوری ها در جولان خود را به شرق دریاچه طبریه رساندند و از رود حاسبانی گذشتند و در واقع، ۷۰ کیلومتر از این بخش را گرفتند. در سال ۱۹۵۶ اسرائیلی ها دوسوم این خاک را طی جنگی باز پس گرفتند و سوری ها را از دریاچه طبریه دور کردند. دعوی اصلی بر سر مرز بین المللی به این دو جنگ بر می گردد و اینکه کدام یک از آنها مرزهای بین المللی به شمار می رود!؟

دکتر نصری: ضمن تشکر از دوستان و کارشناسان محترم، اجازه دهید چند کلامی را

هم بنده در ارتباط با جولان مطرح کنم.

محققى به نام خانم لینور جی مارتین، در کتابی با عنوان چهره جدید امنیت در خاورمیانه می گوید که منطقه خاورمیانه دارای بخشهای بسیار حساس و سرنوشت ساز است؛ مناطقی مثل بیت المقدس، تنگه هرمز، استانبول، شامات و جولان. منطقه جولان به چند دلیل برای اسرائیل مهم است.

۱. نیروی انسانی: نیروی انسانی برای اسرائیل به سه دلیل مهم است: ۱. جمعیت اسلحه به دست به عنوان سرباز؛ ۲. جمعیت چکش به دست یعنی کارگر؛ و ۳. جمعیت به عنوان شهروند.

۲. جولان برای سوریه و اسرائیل به دلایل منابع آبی بسیار مهم است که این مورد هم در سه وجه قابل بررسی است: ۱. آب به عنوان ریشه حیات شهرنشینی، به خصوص با توجه به تغییر ذایقه شهرنشینی در دنیای مدرن (مثلاً افزایش مصرف آب توسط شهرنشینان مدرن)؛ ۲. آب به عنوان منشا شکل گیری صنعت؛ و ۳. آب به عنوان منبع کشاورزی.

۳. جولان به دلایل راهبردی و نظامی نیز برای اسرائیل مهم تلقی می گردد. اسرائیل به عنوان یک بازیگر آسیب پذیر توسط اعراب محاصره شده است. معضل بقا همچنان گریبان گیر اسرائیل است و تا زمانی که این مسئله حل نشود، اساساً مذاکره بی نتیجه است. به عنوان کلام آخر باید عرض کنم که هر بازیگری برای ادامه زندگی خود نیازهایش را در سه سطح تنظیم می کند. سطح نخست نیاز به بقا است. اسرائیل در طول تاریخ خود همواره

♦ اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی

مشکل بقا داشته است. سطح دوم، سبک زندگی است که در آنجا قاعده حاکم عبارت است از انتخاب نوع سیستم و رژیم. در سطح سوم سیاست زندگی مطرح می شود. در این حوزه بازیگران در پی ابراز خود هستند. در هر سه سطح اسرائیل به جولان احتیاج دارد و اسرائیل برای تضمین بقای خود و ابراز هویت هژمون در خاورمیانه جولان را در اختیار گرفته است.

پرسش و پاسخ

پرسش اول: یکی از موضوعات مهم در جریان صلح خاورمیانه، جریان مقاومت جهادی در کشورهای سوریه، ایران، لبنان و فلسطین است. کارشناسان اسرائیلی به این مسئله واقفند که تنها راه رسیدن به صلح توافق با سوریه است. در واقع باید با سوریه به صلح برسند تا موانع پیش روی صلح از بین برود، از سوی دیگر به خاطر عدم عقب نشینی اسرائیل از جولان هیچ آینده روشنی برای صلح با سوریه به چشم نمی خورد. این تناقض در مناسبات اسرائیل و سوریه را چگونه تحلیل می کنید؟

آقای مهتدی: البته بنده تناقضی مشاهده نمی کنم. سوریه مانند یک لولا و حلقه ارتباطی می باشد. در صورت حذف سوریه این زنجیره از بین خواهد رفت، اگر چه ایران وزنه اصلی در زنجیره مقاومت است و حمایت ایران چه از نظر تسلیحاتی، مالی و معنوی مهم ترین نقش را دارد، اما این سوریه است که حلقه اتصال است. در واقع، با حذف سوریه ارتباط ایران با گروههای مقاومت از بین خواهد رفت. اگر گروه مقاومت فلسطین آخرین پایگاه عربی خود را در سوریه دست بدهد، مقاومت از بین می رود. این است که اغلب بازیگران بر روی سوریه تمرکز کرده اند. سوریه از اهمیت این نقش آگاهی دارد. از این رو، با دیگر بازیگران بین المللی از جمله اروپا و آمریکا وارد مذاکره می شود. آمریکا دست سوریه را در لبنان باز گذاشته است. بنابراین من تصور می کنم سوریه این موقعیت مهم را از دست نخواهد داد.

پرسش دوم: آیا سوریه به اندازه اسرائیل از منابع آبی جولان بهره می برد یا نه؟

دکتر موسوی: اسرائیل دارای هفت حوزه آبیگراست: ۱. منطقه ساحلی با ۲۸۴ میلیون متر مکعب آب؛ ۲. دریاچه طبریه با ۳۹۴ میلیون متر مکعب آب؛ ۳. ارتفاعات شرقی با ۲۸۳ میلیون متر مکعب آب؛ ۴. حوزه یارکنته با ۲۶۴ میلیون متر مکعب آب؛ ۵. حوزه جلیله با

♦ اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی

۱۰۸ میلیون متر مکعب آب؛ ۶. حوزه کرمل با ۳۸ میلیون متر مکعب آب؛ و ۷. حوزه نقب عربی با ۵۴ میلیون متر مکعب آب.

در واقع سالانه حدود ۱۳۹۰ میلیون متر مکعب آب برای اسرائیل تأمین می‌شود. در این بین آب دریاچه طبریه بیشترین سهم را دارد. حوزه آبگیر جولان به دو بخش تقسیم می‌شود؛ یکی قسمت غربی است به وسعت ۹۵۰ کیلومتر که به سمت خاک اسرائیل است و مستقیم به رود اردن می‌ریزد. بخش دوم، قسمت شرقی است که از طریق رود رقاد و یرموک به رود اردن می‌ریزد. منطقه اشغال شده جولان از مناطق پر آب جولان است. در این بخش ۱۴ درصد از منابع آبی سوریه قرار داشت که اکنون در اختیار اسرائیل است. بنابراین منابع اصلی سوریه از اردن و ترکیه وارد این کشور می‌شود، نه از جولان. جولان ۳۳ درصد نیازمندیهای آب اسرائیل را تأمین می‌کند. در ارتباط با حمایت ایران از سوریه در زمینه جولان باید عرض کنم که خاک جولان به هر ترتیب، از آن یک کشور اسلامی بوده است. هرگونه عقب نشینی اسرائیل از این قسمت، یک ضربه به امنیت اسرائیل است. پس ایران از عقب نشینی اسرائیل به شدت استقبال می‌کند. از سال ۱۹۷۳ به بعد هیچ گلوله‌ای در آن قسمت شلیک نشده است و از این رو در آن قسمت سوریه هیچ کمکی به ایران ندارد. ضمن اینکه اگر درگیری صورت بگیرد، مسلماً ایران حمایت شدیدی خواهد کرد. نکته دوم اینکه، به خاطر مشکلات زیاد در رابطه با صلح سوریه و اسرائیل، ما تصور می‌کنیم که عقب نشینی اسرائیل از جولان بسیار دشوار خواهد بود. سوریه اصالتاً میل ندارد که از نقش محوری جهان عرب خارج شود. حضور سوریه در لبنان و خروج او در سال ۲۰۰۴ به شدت به این نقش محوری لطمه زده است. به دست آوردن جولان برای سوریه به مثابه از دست دادن نقش محوری خواهد بود. نکته سوم اینکه، به خاطر شرایط جولان اسرائیل حاضر به باز پس دهی آسان آن به سوریه نیست. نکته چهارم اینکه، علویان در سوریه یک دولت را در دست دارند که حدود ۱۲ تا ۱۴ درصد هستند؛ یعنی در سوریه شاهد حکومت اقلیت هستیم. پس اگر قرار باشد جولان از دست سوریه خارج شود، مشروعیت علویان از بین می‌رود و در این صورت یک دولت سنی بر سر کار خواهد آمد. این دولت مشکلات شدیدی برای اسرائیل ایجاد خواهد کرد.

آقای آجرلو: سوریه به دلیل کم آب بودن قسمت جنوبی نیازمند تأمین آب است. از این رو، به نظر بنده به شدت نیاز به آب جولان دارد. در سال ۱۹۹۰ اردن و سوریه تصمیم گرفتند در مرز خود بر روی رود یرموک سدی احداث کنند. کارهای مطالعاتی نیز صورت گرفت، اما اسرائیل پس از آگاهی اعلام کرد که این منطقه را بمباران خواهد کرد.

پرسش سوم: تأثیر مسئله جولان بر امنیت دیگر کشورهای منطقه چیست؟ این کشورها چه مواضعی در این زمینه دارند و در نهایت راهکار حضرت عالی برای حل این قضیه چیست؟

۱۷

آقای آجرلو: مهم ترین کشورهای منطقه که از قضیه جولان متأثر هستند، لبنان و اردن هستند. لبنان کشوری کوهستانی است و در نتیجه، زمینهای کشاورزی مناسبی در اختیار ندارد. از سوی دیگر، لبنان نیاز به آب رودخانه ای ندارد، به همین دلیل خود را نیازمند آبهای جولان نمی داند. چرا که آبهای سطحی زیادی دارد. از سوی دیگر، پیچیدگی مسایل داخلی لبنان فرصت کافی برای پرداختن به چنین مسایلی را نمی دهد.

اردن کشوری با جمعیت کم و سرزمین بزرگ است، زمانی ارتش اردن بسیار قوی بود اما اکنون بسیار ضعیف است. اردن به دلیل جمعیت کم، آوارگان فلسطینی و مشکلات خاندان هاشمی که حاکمیت در دست آن است، نمی تواند سیاست خارجی فعالی داشته باشد. آمریکا به شدت در این کشور نفوذ دارد و به نظر نمی رسد اردن بخواهد خلاف منافع آمریکا علیه اسرائیل وارد عمل شود. اما اجازه دهید بنده پرسشی را مطرح کنم مبنی بر اینکه چرا سوریه جنبشی به مانند حزب الله ایجاد نمی کند که بتواند در شرایط جنگهای نامتقارن به مقابله با اسرائیل بپردازد؟ در پاسخ باید اشاره کنم که اسرائیل اساساً در جنگهای کلاسیک پیروز است. نیروی نظامی اسرائیل در هر سه سطح دریایی، هوایی و زمینی توانمند است. تنها چالش اسرائیل در قرن حاضر نیز گروههای جهادی حماس و حزب الله بوده است. اما چرا سوریه دست به چنین اقدامی نمی زند؟ سوریه در اینکه گروههای شبه نظامی بتواند منافع سوریه را تأمین کند، تردید دارد. در واقع، هراس سوریه این است که پس از تشکیل چنین گروههایی در آینده منافع حکومت به وسیله آن گروهها به خطر بیفتد و گریبان گیر قدرت دولت شود.

آقای موسوی: دو رود مهم سوریه، باناس با ۱۲۱ تا ۱۲۵ میلیون متر مکعب و رود دان

♦ اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی

با متوسط ۲۴۵ تا ۲۵۰ میلیون متر مکعب، مقدار آبی است که وارد رود اردن می‌شوند. به لحاظ جغرافیایی، شیب این رودها به سمت اسرائیل است. بنابراین، برگرداندن آب به سوریه نزدیک به محال است. منابع آبی جولان به سود کشوری است که بلندیهای جولان را در اختیار دارد.

پرسش چهارم: منافع ترکیه در میانجی‌گری سوریه و اسرائیل کدام است؟

دکتر موسوی: چهار دور مذاکره به صورت کامل در آنکارا و استانبول برگزار شد. دور پنجم به تأخیر افتاد. دور ششم بدون اینکه دور پنجم برگزار شده باشد، به صورت تلفنی بین بشار اسد و عبدالله گل و ایهود اولمرت برگزار شد. مذاکرات ترکیه در سال ۲۰۰۴ بعد از سفر آقای بشار اسد به آنکارا آغاز شد.

در واقع این میانجی‌گری به خواست دولت سوریه بوده است. در آن زمان دولت سوریه به خاطر اتهام قتل رفیق حریری به شدت منزوی شده بود. حمایت از گروههای فلسطینی و چشم‌پوشی از اقدامات القاعده در عراق نیز به این فشارها افزود. سوریه از یک سو کوشش کرد تا خود را از انزوا نجات دهد که تقریباً موفق شد. بعد از مدت کوتاهی مذاکرات چهارجانبه در دمشق برگزار شد. فرانسه و قطر در این مذاکرات حاضر بودند که گام بلندی در خروج از انزوا بود. بعد از جریان جنگ ۳۳ روزه نیز دولت سوریه به صورت همه‌جانبه‌ای مورد تهدید حمله نیروهای اسرائیلی قرار داشت که پس از مذاکرات این امر منتفی شد. در نتیجه، دولت سوریه به خوبی توانست با پی‌گیری مذاکرات خود را از انزوا خارج کند و تهدید حمله اسرائیل را نیز از بین ببرد. اگر بار دیگر طی فرایندی سوریه در انزوا قرار بگیرد، مسئله‌ای به نام جولان برای مذاکره وجود دارد که سوریه را انزوا خارج کند.

اما دولت ترکیه بر چه اساسی اقدام به میانجی‌گری کرده است؟ پس از سفر بشار اسد به آنکارا در سال ۲۰۰۴، دولت ترکیه به شدت روابط خود را با جهان عرب گسترش داد تا بتواند جایگاه خود را در جهان عرب و جهان اسلام تغییر دهد و تقویت نماید. در سفر سال ۲۰۰۴، از جمله موارد مورد توافق دو طرف این بود که نیروهای نظامی اسرائیل اجازه ندارند در مرزهای ترکیه مانور نظامی و آموزشی داشته باشند. این مسئله برای سوریه بسیار مطلوب بود. تجاری بسیاری از ترکیه به سوریه رفتند و باعث گسترش روابط تجاری دو طرف شدند. بنابراین،

◆ اسرائیل‌شناسی - آمریکا‌شناسی

سیاست ترکیه ارتقای جایگاه خود در منطقه بود. یک مسئله مهم و قابل ذکر دیگر این است که هنگامی که می‌گوییم حضور اسرائیل در دمشق عینی و ملموس است، برای بسیاری از کسانی که این منطقه را ندیده‌اند، قابل درک نیست. شهر قنیطره در ۶۰ کیلومتری دمشق قرار دارد و در واقع اگر نیروهای اسرائیلی بخواهند از جنوب وارد دمشق شوند، باید از قنیطره حرکت کنند. برخی هم حمله به سوریه را از طریق لبنان متصور می‌شوند. نکته مهم این است که همه مردم سوریه می‌توانند در فاصله ۱۵ کیلومتری شهر خود، پایگاه‌های اسرائیلی را مشاهده کنند. دست کم دو پایگاه در روستای بیت جین و دیگری در منطقه جبل الشیخ وجود دارد. خود سوری‌ها معتقدند که هیچ اتومبیلی در دمشق حرکت نمی‌کند مگر اینکه توسط دوربین‌های اسرائیلی رصد شود و هیچ مکالمه‌ای بدون شنود توسط اسرائیل در دمشق صورت نمی‌گیرد. در اینجا است که موقعیت نظامی جولان اهمیت خود را نمایان می‌سازد. در سمت مقابل نیز به همین شکل است. با توجه به اهمیت جولان، اسرائیل حتی با اتکا به سلاح‌های هسته‌ای خود نیز نمی‌تواند به خود اجازه دهد از این منطقه عقب‌نشینی کند.

پرسش پنجم: آیا محاصره غزه که باعث شده است فاضلاب این شهر به دریا بریزد، تهدیدی برای منابع آبی اسرائیل نیست؟

آقای مهتدی: ریختن فاضلاب غزه به دریا ارتباطی با محاصره این شهر ندارد. در سواحل دریای مدیترانه طبق عادت فصلی تمام فاضلابها مگر قسمتهای ویژه‌ای به دریا می‌ریزد، مدتی پیش هم فاش شد که شهرکهای اسرائیلی فاضلابهای خود را به سمت سواحل غزه سوق داده‌اند که این امر باعث تهدید بیش از پیش مردم غزه می‌شود.

پرسش ششم: آقای مهتدی حضرت عالی مهم‌ترین دلیل اشغال جولان در سال ۱۹۶۷ را ملاحظات راهبردی عنوان کردید، تقاضا دارم این مسئله را بیشتر بشکافید.

آقای مهتدی: در تاکتیک‌های زمینی و عملیات مربوط به ارتفاعات، جولان بسیار مهم است. اصولاً ارتفاعات عامل مهمی در مسایل راهبردی و نظامی به شمار می‌رود. علت ناکامی دولت سعودی و دولت یمن در سرکوبی کامل حوثی‌ها در شمال یمن نیز وجود ارتفاعات در این مناطق است. القاعده نیز در افغانستان از ارتفاعات بیشترین استفاده را در راستای منافع خود می‌برد. نکته قابل توجه این است که در دنیای کنونی، پیشرفتهای تکنولوژیکی در بسیاری از

موارد توانسته است مسئله ارتفاعات را تحت الشعاع خود قرار دهد. از این جهت من تصور می‌کنم اهمیت جولان در وهله نخست همچنان به خاطر منابع آبی است، نه به خاطر مسایل نظامی.

پرسش هفتم: با توجه به دغدغه‌های آمریکا در ارتباط با حل قضیه اعراب و اسرائیل، آمریکا چه نقشی در مناقشه اسرائیل و سوریه ایفا می‌کند؟

دکتر نصری: معروف است که برای حل یک اختلاف و کشمکش، سه نکته بسیار مهم وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد: ۱. اراده و مهارت نخبگان طرفین؛ ۲. فراهم بودن شرایط بین‌المللی برای حل اختلاف؛ و ۳. وزن موضوع اختلافی. به نظر بنده این سه فاکتور در ارتباط با مسئله جولان فراهم نیست. به این معنی که نخبگان طرفین، اگر اراده حل مسئله را هم داشته باشند - که از سوی اسرائیلی‌ها این اراده وجود ندارد - مهارت حل این قضیه موجود نیست. آمریکا نیز تا حد خاصی می‌تواند وارد این اختلافات شود. جمله معروف استیون وایت و مرشایمر در مقاله کلاسیک «لایبی اسرائیل و سیاست خارجی آمریکا» گویای این مطلب است. آنها می‌گویند: چرا آمریکایی‌ها همیشه طرف اسرائیل را دارند؟ آیا این حمایت ریشه راهبردی دارد یا نه؟ آن دو پس از بررسی مطرح می‌کنند که پس از فروپاشی شوروی، اسرائیل برای آمریکا موقعیت راهبردی ویژه‌ای ندارد. آمریکا می‌تواند از پایگاه‌های خود در منطقه بهترین بهره راهبردی را ببرد. پس حمایت اسرائیل از سوی آمریکا ریشه راهبردی ندارد. نکته دوم اینکه، آنها می‌گویند ممکن است آمریکایی‌ها به خاطر حمایت از قوم یهود و به خاطر تفقد از یهود از اسرائیل حمایت کنند. نویسندگان مقاله مذکور این مسئله را نیز نادرست می‌دانند و آن را رد می‌کنند. در نهایت، اعلام می‌کنند که آمریکایی‌ها مجبورند از اسرائیل حمایت کنند؛ چرا که کارشناسان و کارمندان دستگاه‌های اجرایی آمریکا، بوروکراسی‌های مختلف و حتی مهدکودک‌های آمریکایی تحت نفوذ یهودیان متنفذ ایالات متحده هستند. پس آمریکایی‌ها تا یک حد مشخصی می‌توانند در چنین اموری دخالت کنند. این حدود به آمریکا اجازه نمی‌دهد که قضیه جولان را حل و فصل کنند.

خوب، از حسن استماع و تامل حضار محترم و نیز از حضور مهمانان ارجمند سپاسگزارم، امیدوارم فرصتی دیگر و بهتر دست دهد تا باز هم در باب منابع تنش و همگرایی در منطقه شامات، بحث و فحص کنیم.

◆ اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی